

هو الحق...

تشریح سوالات درس آیین دادرسی کیفری

آزمون قضاوت ۹۵

تدوین: امین بخشی‌زاده اهری^۱

مؤلف کتاب قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی و اجرای احکام کیفری:

۷۱. یک نظامی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، مرتکب جرم خاص نظامی شده است. کدام دادگاه، صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارد:

ب- حسب مورد، کیفری یک یا دو تهران

الف- کیفری یک محل خدمت

د- نظامی محل دستگیری

✓ ج- نظامی تهران

پاسخ:

ماده ۵۹۸- به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشد که در صلاحیت سازمان قضائی است، در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می شود.

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

در این ماده دو شرط وجود دارد:

۱- فرد نظامی باشد.

۲- جرم از جرائمی باشد که در صلاحیت سازمان قضائی است؛ یعنی جرم نظامی باشد.

حال اگر این دو شرط محقق شود و محل ارتکاب جرم نیز خارج از ایران باشد، دادسرا و دادگاه نظامی تهران صالح به رسیدگی خواهد بود.

۱. جهت ورود به گروه تخصصی حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری، از لینک موجود در سایت

www.crimelaw.ir استفاده نمایید.

۷۲. نوجوانی ۱۷ ساله به اتهام قتل عمدی فردی، تحت تعقیب است. کدام مرجع، تحقیقات مقدماتی راجع به اتهام او را انجام می‌دهد؟

✓ الف- دادسرای ویژه نوجوانان محل وقوع جرم

ب- دادگاه اطفال و نوجوانان محل وقوع جرم

ج- دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان محل وقوع جرم

د- دادگاه اطفال و نوجوانان محل اقامت نوجوان

در خصوص دادسرای صالح به انجام تحقیقات مقدماتی:

ماده ۲۸۵- در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به عنوان شعبه تخصصی دادسرای عمومی و انقلاب به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. ناگفته پیداست که صلاحیت این نوع دادسرا، صلاحیت اختصاصی نیست بلکه تخصصی می‌باشد؛ یعنی در کنار سایر پرونده‌ها، به موضوع پرونده‌های مربوط به افراد بالغ کمتر از هجده سال تمام شمسی نیز رسیدگی می‌نماید. به عبارتی در این شعبه، تحقیقات مقدماتی جرائم افرادی که حین ارتکاب جرم (نه حین رسیدگی) سن آنها پانزده تا هجده سال تمام شمسی می‌باشد (اعم از دختر و پسر) به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) یعنی جرائم منافی عفت و (۳۴۰) این قانون یعنی جرایم موجب مجازات تعزیری درجه هفت و هشت که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرای تخصصی به عمل می‌آید. عنوان این دادسرا، «دادسرای ویژه نوجوانان» است نه «دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان». چرا که طبق تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال تمام شمسی اعم از دختر و پسر به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه‌های مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است خود انجام می‌دهند. (ر.ک: مواد ۳۱ و ۴۲ که در ظاهر متعارض با این تبصره هستند) تبصره ۲- در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یعنی فرد زیر ۱۵ سال یا نوجوان یعنی فرد بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، چنانچه فرد نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله باشد فوری به دادسرا یا چنانچه فرد طفل زیر ۱۵ سال باشد یا مورد از موارد مقرر در مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ باشد، به دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان تحویل دهند. انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. (قانون دستنویس کیفری/۲۰۰)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

تحقیقات مقدماتی جرایم افراد نابالغ در دادگاه انجام می‌شود اما تحقیقات مقدماتی افراد بالغ کمتر از هجده سال (دختر بین ۹ تا ۱۸ و پسر ۱۵ تا ۱۸) در دادسرای ویژه نوجوانان انجام

می‌شود مگر اینکه نوع جرم ارتكابی درجه هفت یا هشت بوده و یا اینکه جرم از جرائم منافی عفت باشد که مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود. بنابراین گزینه الف صحیح است.

۷۳. هرگاه یکی از موارد سقوط دعوای عمومی نزد قاضی محقق باشد، کدام قرار باید صادر شود؟

الف - منع تعقیب

ب - موقوفی تعقیب ✓

ج - بایگانی پرونده

د - ترک تعقیب

موارد سقوط دعوای عمومی پس از به جریان افتادن دعوای عمومی تعقیب کیفری تا تکمیل تحقیقات ادامه خواهد یافت تا زمینه اظهار نظر در مورد کافی بودن دلایل اتهام و لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه و صدور حکم یا نا کافی بودن دلایل توجه اتهام به متهم فراهم گردد در این حال در صورت نخست قرار جلب و دادرسی و در صورت اخیر قرار منع تعقیب متهم صادر میشود با وجود این در موارد معینی دعوای عمومی قبل از به پایان رسیدن تحقیقات مقدماتی به دلایلی ساقط می‌شود و مرجع تحقیق نمی‌تواند با ادامه دادن تحقیقات خود از نظر ماهوی نسبت به وقوع یا عدم وقوع جرم اظهار عقیده نماید در این صورت به دلایلی که بیشتر جنبه شکلی دارند بازپرس یا دادیار بدون اظهار نظر در ماهیت امر و اعتبار دلایل اتهام متهم قرار موقوفی تعقیب را به لحاظ ساقط شدن دعوای عمومی صادر و به طرفین ابلاغ می‌کند با این حال همانگونه که ماده ۲۰ ق.آ.د.ک تصریح نموده: «سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست» و به همین دلیل از لحاظ ماهوی تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک نیز مقرر می‌دارد: «در باره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.» بنابر این با صدور قرار موقوفی تعقیب حق مدعی خصوصی به مطالبه دیه و ضرر و زیان ساقط نمی‌شود. (خالقی/جلد ۱/۱۱۴)

۷۴. تشخیص سیاسی بودن اتهام با کدام مرجع است؟

الف - رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان

ب - دادستان مرکز استان

ج - دادگاه کیفری یک مرکز استان پس از اخذ نظر دادگاه انقلاب

د - دادسرا یا دادگاهی که پرونده در آن مطرح است ✓

چندین بار در کلاس‌های حضوری و در کانال تلگرامی، تأکید شد که برخی قوانین خاص از جمله قانون جرم سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برای آزمون‌ها برخوردار است. در آزمون قضاوت ۹۵ دو سوال از این قانون طرح شد. به موجب ماده ۵ قانون مذکور: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی‌کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.»

۷۵. کدام یک از ضرر و زیانهای ناشی از جرم، توسط شاکی قابل مطالبه است؟

- ✓ الف- مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول
 ب- فقط مادی و معنوی
 ج- فقط مادی و منافع ممکن‌الحصول قابل تقویم
 د- فقط مادی

ماده ۱۴- هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. بنابراین شاکی می‌تواند همزمان با درخواست تعقیب کیفری، جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی مانند تخریب اموال مسروقه و معنوی مانند لطمه به حیثیت در جرم توهین و در نهایت منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد مانند درختانی که شکوفه دارند و مقتضی میوه شدن هستند، در مرجع کیفری مطالبه کند. با توجه به اینکه یکی از شرایط طرح ضرر و زیان در مرجع کیفری این است که ضرر و زیان ناشی از جرم باشد، لذا اگر این نوع ضرر و زیان در غیر موارد ارتکاب جرم به وجود آید، لازم است شاکی در دادگاه حقوقی مطالبه جبران خسارت نماید. نکته مهم اینکه خسارت عدم‌النفع که متفاوت از منافع ممکن‌الحصول بوده و مقتضی وجود آن محقق نشده، قابل مطالبه نخواهد بود. تبصره ۱- زیان معنوی که در قانون سابق قابل مطالبه نبوده و در قانون جدید مقرر شده، عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. هرچند جبران زیان معنوی لازم و ضروری است، لیکن دادگاه «می‌تواند» علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی که برای دادگاه الزامی است، به رفع زیان از طرق دیگر که مصادیق آن تمثیلی است نه حصری، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نیز حکم نماید. به عبارتی دیگر، حکم به جبران زیان معنوی الزامی است ولی حکم به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل عذرخواهی و... برای دادگاه اختیاری می‌باشد.

تبصره ۲- منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. اتلاف اعم از عین و منفعت است. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی که منظور از آن جرایمی هستند که در نصوص شرعی برای آن تعزیر مقرر شده مانند اقرار به زنا کمتر از چهار بار و نظایر آن و نیز شامل دیه که مقدار آن در شرع و قانون مشخص است، نمی‌شود. البته برای امکان مطالبه منافع ممکن‌الحصول تحت شرایطی لازم است؛ از جمله اینکه موجبات حصول نفع کامل باشد، تحقق منافع موكول به آینده باشد و زوال منافع ناشی از جرم باشد. در پیش‌نویس لایحه قانون حاضر، خسارات مازاد بر دیه نیز قابل مطالبه عنوان شده بود که در نهایت، با مخالفت شورای نگهبان منتفی شد. (قانون دستنویس کیفری/۳۶)

۷۶. کدام مورد در خصوص احاله پرونده‌های کیفری، صحیح است؟

- الف- رئیس قوه قضاییه می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، رأساً پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند
 ب- برای احاله پرونده، رضایت شاکی خصوصی ضروری است

✓ ج- احاله پرونده در دادسرا و دادگاه نظامی حسب مورد، به درخواست دادستان نظامی یا رئیس قضایی استان و موافقت رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح است
 د- احکام پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، بنا به درخواست دادستان حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه کیفری یک مرکز استان است

ماده ۴۱۸- به موجب ماده ۳۳۹ «پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد». گاهی برای رعایت بعضی مصالح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و یا جهات عملی، رسیدگی به امری جزایی از مرجعی که طبق قانون برای رسیدگی به آن دارای صلاحیت محلی است به یک مرجع دیگر که هم‌عرض آن است ارجاع می‌شود؛ این امر را احاله دعوای جزایی می‌گویند. احاله دعوای جزایی، از حوزه‌ای به حوزه دیگر، ممکن است در هر مرحله‌ای از تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی صورت گیرد. به استناد احاله نمی‌توان صلاحیت ذاتی مراجع کیفری را تغییر داد و به عبارتی، احاله صرفاً در صلاحیت محلی ایجاد تغییر می‌نماید. در هر مرحله از رسیدگی کیفری اعم از مرحله تحقیقات مقدماتی یا مرحله محاکمه و رسیدگی، با رعایت صلاحیت ذاتی مراجع قضائی، احاله پرونده از یک حوزه قضائی به حوزه قضائی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان در مورد پرونده‌های دادسرا یا به درخواست رئیس حوزه قضائی مبدأ در مورد پرونده‌های دادگاه و پرونده‌های حوزه قضائی بخش و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان و احاله پرونده از حوزه قضائی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص یعنی حسب مورد، دادستان یا رئیس حوزه قضائی مبدأ و موافقت شعبه‌ای از شعب دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

تبصره- در مورد جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضائی استان با موافقت رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح انجام می‌شود. (ماده ۶۳۹) لازم است بین دو مقام «رئیس سازمان قضائی استان» و «رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح» تفکیک قائل شد.

جمع‌بندی احاله			
از حوزه قضائی یک استان به استان دیگر		حوزه قضائی به حوزه قضائی دیگر یک استان	
دادگاه	دادسرا	دادگاه	دادسرا
به درخواست رئیس حوزه قضائی مبدأ و موافقت شعبه شعبه دیوان عالی	به درخواست دادستان و موافقت شعبه دیوان عالی	به درخواست رئیس حوزه قضائی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر	به درخواست دادستان و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر

ماده ۴۱۹- احاله صرفاً و به طور حصری در موارد زیر و همچنین مورد مقرر در ماده ۴۲۰ صورت می‌گیرد:
 الف- متهم (در صورت وجود فقط یک متهم در پرونده) یا بیشتر متهمان (در صورت وجود متهمین متعدد در پرونده) در حوزه دادگاه دیگری از یک یا دو استان که واجد صلاحیت ذاتی است، اقامت داشته باشند.

ب- با رعایت صلاحیت ذاتی، محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن و امکان انجام تحقیقات مناسب، آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند. تبصره- احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.

ماده ۴۲۰- علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز یکی از شعب دیوان عالی کشور، رسیدگی با رعایت صلاحیت ذاتی مرجع قضائی، به حوزه قضائی دیگر احاله می شود.

تبصره- در جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان می تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را بدون نیاز به موافقت مقامی دیگر، به حوزه قضائی دیگر احاله کند. (قانون دستنویس کیفری/۲۷۲ الی ۲۷۴)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

در گزینه‌های نادرست، زیر موارد نادرست خط کشیده شده است.

۷۷. کدام یک از اشخاص زیر، حق درخواست اعاده دادرسی دارند؟

الف- محکوم علیه، شاکی، دادستان کل کشور و دادستان مجری حکم

ب- محکوم علیه، دادستان کل کشور، شاکی و رئیس دیوان عالی کشور

ج- محکوم علیه و شاکی

✓ د- محکوم علیه، دادستان کل کشور و دادستان مجری حکم

ماده ۴۷۵- اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی از حکم محکومیت قطعی دارند:

الف- محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او؛ لذا پس از فوت محکوم علیه نیز امکان اعاده دادرسی وجود دارد.

ب- دادستان کل کشور

پ- دادستان مجری حکم

ت- رئیس سازمان قضائی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی (ماده ۶۳۷)

(قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۳۰۷)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

شاکی حق درخواست اعاده دادرسی ندارد.

۷۸. نوجوان ۱۶ ساله‌ای، مرتکب حمل مواد مخدر مستوجب اعدام می‌شود. رسیدگی به جرم او در صلاحیت کدام دادگاه زیر است؟

- الف- اطفال و نوجوانان
 ب- کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان ✓
 ج- انقلاب
 د- کیفری دو

ماده ۳۱۵- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) با توجه به اینکه در مورد اطفال (افراد نابالغ) در هر حال امکان اعمال مجازات وجود ندارد و در نهایت اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد آن‌ها وضع می‌گردد، بنابراین لازم نیست به جرائم آن‌ها حتی اگر مجازاتشان از موارد مقرر در ماده ۳۰۲ باشد، در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود. از این جهت است که رسیدگی به جرائم افراد نابالغ مطلقاً در صلاحیت دادگاه اطفال می‌باشد و جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. صلاحیت این دادگاه که شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک می‌باشد، برخلاف دادگاه اطفال تخصصی است نه اختصاصی ولی صلاحیت دادگاه اطفال نسبت به سایر دادگاه‌ها اختصاصی است نه تخصصی.

طبق اصلاحیه‌ای که در سال ۹۴ تصویب شد، در ماده ۳۱۵ سه تغییر عمده به وجود آمد. نخست اینکه در مورد دادگاه انقلاب که به طور مطلق بیان شده بود، با عبارت «در مواردی که با تعدد قضای رسیدگی می‌شود»، مقید شد. تغییر دوم اینکه ماده ۳۱۵ مصوب ۹۲ از عنوان «اطفال و نوجوانان» به عنوان مرتکب جرم استفاده نموده بود که در متن اصلاحی مصوب ۹۴، عبارت «افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی» جایگزین شد. با این تغییر در مواردی که مرتکب جرم موضوع این ماده، افراد نابالغ باشند، حتی اگر جرم آنها از موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب (سیستم تعدد قاضی) باشد، باز هم به آن در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود نه دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان. تغییر سومی که در متن اصلاحی مصوب ۹۴ به وجود آمد این است که مقنن به جای عبارت «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان»، از عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» استفاده نموده و واژه «اطفال» را از آن برداشت؛ زیرا گفتیم که رسیدگی به جرائم افراد نابالغ مطلقاً در صلاحیت دادگاه اطفال قرار می‌گیرد و هیچوقت دادگاه کیفری یک نمی‌تواند به جرائم اینگونه افراد رسیدگی نماید.

نتایج مهم و آزمونی مقررات صلاحیت رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان:

- ۱- به کلیه جرائم اطفال (افراد نابالغ) حتی اگر از جرائم موجود در صلاحیت دادگاه کیفری یک و انقلاب باشد، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. (ماده ۳۰۴)
- ۲- به کلیه جرائم نوجوانان (افراد بالغ زیر هجده سال) اصولاً در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. مگر در موارد زیر:
- ۳- به جرائم نوجوانان در صورتی که از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود.

۴- به جرائم نوجوانان در صورتی که از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قضات باشد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود.

۵- به جرائم نوجوانان در صورتی که از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی باشد، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. (طبق اصل مقرر در شماره ۲)

۶- به جرائم نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمس که در صلاحیت سازمان قضائی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود. (ماده ۵۹۹)

تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی تخصصی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.

تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۱۰ این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۲۳۰)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

به جرائم نوجوانان در صورتی که از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی باشد، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. (طبق اصل مقرر در شماره ۲)

۷۹. هرگاه بازپرس، به علت عدم دسترسی به متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، دستور منع خروج از کشور صادر نماید، مدت زمان اعتبار این دستور، کدام است؟

الف- سه ماه و قابل تمدید
ب- سه ماه و غیر قابل تمدید
ج- شش ماه و غیر قابل تمدید
د- شش ماه و قابل تمدید ✓

ماده ۱۸۸- به منظور حفظ متهم در داخل کشور و سهولت دسترسی به وی، تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور که در قالب «دستور» صادر شده و قابل اعتراض نیست، صادر کند. برعکس این مورد؛ بند «ث» ماده ۲۴۷ که در قالب «قرار» صادر می‌شود، قابل اعتراض است؛ لذا باید بین دستور منع خروج از کشور با قرار منع خروج از کشور تفکیک قائل شد. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور یکی از قرارهای نهایی موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، دستور ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه‌خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند مگر اینکه مجدداً این مدت توسط مقام قضائی تمدید شود. (ر.ک: مواد ۲۹۲ و ۵۰۹)

(قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۴۳)

۸۰. در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پرونده پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، به کدام مرجع ارسال می‌شود؟

- ✓ الف- دادگاه به دستور دادستان، برای صدور حکم مقتضی
 ب- دادگاه، با صدور کیفرخواست، برای صدور حکم مقتضی
 ج- واحد اجرای احکام کیفری، به دستور دادستان
 د- دادگاه، به دستور بازپرس، برای اتخاذ تصمیم مقتضی

ماده ۸۵- در مواردی مانند مواد ۳۳۳، ۳۳۴ و... قانون مجازات اسلامی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات در مرجع قضائی، پرونده به دستور دادستان بدون نیاز به صدور کیفرخواست برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

تبصره ۱- (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم قضائی دیگری مانند ترک تعقیب و تعلیق تعقیب در دادسرا به طور دائمی مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است.

تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) طبق قانون مجازات اسلامی در سه مورد عاقله مسئول پرداخت دیه است: نخست در مورد جنایات خطای محض، دوم مرگ یا فرار قاتل در قتل عمدی (ماده ۴۳۵) و سوم جنایات شخص نابالغ یا مجنون (بند «ب» ماده ۲۹۲). در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه متوجه عاقله است، در صورت وجود دلایل کافی و با رعایت مقررات مربوط به احضار بدون جلب، به وی اخطار می‌شود برای دفاع از خود حضور یابد؛ پس از حضور، موضوع برای وی تبیین و اظهارات او اخذ می‌شود. هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مربوط به متهم مانند صدور قرار تأمین کیفری در مورد عاقله قابل اعمال نیست. عدم حضور عاقله مجوز صدور دستور جلب وی نبوده و البته مانع از رسیدگی هم نیست. تعریف عاقله در ماده ۴۶۸ ق.م.ا ذکر شده است. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۹۴)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

پرونده به دستور دادستان بدون نیاز به صدور کیفرخواست برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

۸۱. تأیید کنترل کدام مورد، جزو حدود اختیارات رئیس قوه قضائیه است؟

- الف- کنترل ارتباطات مخابراتی شهرداری مراکز استان‌ها و مشاوران وزیر
 ب- دستور تفتیش و بازرسی محل سکونت متهمان جرایم سیاسی و مطبوعاتی
 ✓ ج- دستور شنود مکالمات تلفنی نمایندگان مجلس
 د- دستور تفتیش و بازرسی محل کار رئیس قوه مجریه

همانطور در کلاس‌ها و گروه تلگرام تأکید نموده بودم، مواد ۱۳۷-۱۳۸-۱۵۰ و ۱۵۱ از اهمیت آزمونی فراوانی برخوردار است. در آزمون وکالت ۹۵ هم بی‌نهایت به این مواد دقت نمایید.

ماده ۱۵۰- با استناد به اصل ۲۵ قانون اساسی، اصل بر این است که کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در دو حالت؛ اول در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا دوم اینکه برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون توسط بازپرس، لازم تشخیص داده شود. در غیر از این دو مورد، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. اگر کنترل ارتباطات مخابراتی توسط بازپرس لازم تشخیص داده شود، در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون که خود رئیس قوه قضائیه نیز در شمار آنهاست (!) منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین حتی معاون وی نمی‌باشد. (ر.ک: ماده ۱۳۸ این قانون و ماده ۵۸۲ ق.م.ا.ت)

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود نه به موجب آیین نامه‌ای که قرار باشد از طرف قوه قضائیه یا هر ارگان دیگری تهیه شود.

تبصره ۲- علاوه بر حکم مقرر در ماده ۱۵۰ که راجع به «متهمان» است، کنترل ارتباطات مخابراتی «محکومان» جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود اعم از اینکه دادگاه صادرکننده حکم قطعی باشد یا غیرقطعی یا قاضی اجرای احکام، ممنوع است. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۲۹)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

- ۱- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد عادی و افراد مقرر در ماده ۳۰۸ = دستور بازپرس + تأیید رئیس کل دادگستری
- ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد مقرر در ماده ۳۰۷ = دستور بازپرس + تأیید رئیس قوه قضائیه
- ۳- کنترل ارتباطات مخابراتی «محکومان» = تشخیص دادگاه نخستین یا قاضی اجرای احکام
- ۴- کنترل حساب‌های بانکی = دستور بازپرس + تأیید رئیس حوزه قضایی

۸۲. اعمال کدام یک از موارد زیر، نسبت به متهمان جرایم سیاسی غیر قانونی است؟

ب- بازداشت موقت

✓ الف- استرداد

د- صدور قرار نظارت قضایی

ج- مقررات ناظر به تعدد جرم

در خصوص اهمیت قانون جرم سیاسی تا جایی تأکید شده بود که دو سوال از این قانون شش ماده‌ای طرح گردید. ماده ۶ این قانون مقرر داشته: «موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی اعمال می‌شود:

الف - مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی

ب - ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس

پ - ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم
 ت - غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی
 ث - ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضائی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از پانزده روز باشد.
 ج - حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس
 چ - حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس»

۸۳. کدام مورد، از جهات عذر موجه برای حضور متهم در مراجع قضایی محسوب نمی‌شود؟

- الف - ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار
 ✓ ب - بیماری همسر یا اقربای متهم تا درجه سوم از طبقه دوم
 ج - مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس، عذر موجه محسوب می‌شود.
 د - بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد شود.

ماده ۱۷۸ - متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

الف - نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به محل اقامت متهم به گونه‌ای که مانع از حضور شود. در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یکبار دیگر احضار می‌نماید. (تبصره)

ب - بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

پ - همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.

ت - ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار در افرادی غیر از خود متهم یا بستگان مقرر در بند «ب» و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله به شرطی که موجب عدم امکان تردد گردد.
 ث - متهم در توقیف یا حبس باشد.

ج - سایر مواردی که مصادیق آن تمثیلی و عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.

تبصره - در سایر موارد، متهم می‌تواند برای یکبار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را أخذ نماید که در این مورد، بازپرس می‌تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، تا سه روز مهلت را تمدید کند. البته بازپرس الزامی به قبول درخواست متهم مبنی بر مجوز عدم حضور ندارد. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۳۹)

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

آنچه در مورد اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم ملاک است، فوت آن‌هاست نه بیماری آن‌ها.

۸۴. رأی از دادگاه فاقد صلاحیت محلی صادر شده است. این امر مورد اعتراض هیچیک از طرفین پرونده قرار نگرفته است. دادگاه تجدیدنظر چه تصمیمی اتخاذ می نماید؟
- الف- پس از نقض رأی، پرونده را برای صدور قرار مقتضی به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می کند
- ب- بدون نقض رأی، پرونده را به مرجع ارسال می کند
- ج- به علت عدم اعتراض طرفین، بدون توجه به صلاحیت دادگاه بدوی، به درخواست تجدیدنظر رسیدگی می کند
- ✓ د- رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می دارد

ضمانت اجرای قواعد صلاحیت: بند «پ» ماده ۴۵۰ اشعار می دارد: «هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می کند.»

نکته مهم اینکه بر خلاف قانون سابق، در صلاحیت محلی، اعتراض یکی از طرفین لازم نبوده و عدم رعایت صلاحیت محلی نیز موجب نقض حکم است. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۲۱۲)

ماده ۴۵۰- رئیس شعبه، پرونده های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان جهت بررسی و تهیه گزارش ارجاع می دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید: الف-...

پ- هرگاه رأی اعم از حکم و قرار توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، صرف نظر از ایراد طرفین به عدم صلاحیت در هر دو مورد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه غیر صالح صادرکننده رأی اعلام می کند.

نکته ی سوال آزمون قضاوت:

همانطور که در بند پ ماده ۴۵۰ قانون دستنویس تأکید شده، مهم نیست که عدم صلاحیت ذاتی یا محلی مورد ایراد طرفین قرار گرفته باشد یا نه؛ در هر صورت موجب نقض حکم است.

۸۵. فرماندار اردبیل که مقیم گرگان است، در شهرستان کرج مرتکب تصادف منجر به فوت می شود. رسیدگی به جرم وی در صلاحیت کدام دادگاه کیفری است؟
- الف- کرج
- ب- گرگان
- ✓ ج- تهران
- د- اردبیل

ماده ۳۰۷- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) برخلاف اصل کلی صلاحیت محلی (نه ذاتی)، رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی (نه نظامی) افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، صرف نظر از اینکه در ارتباط با انجام وظایف خود مرتکب جرم شوند یا نه، و مدیران کل اطلاعات استان ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه های کیفری یک، دو، دادگاه نظامی و انقلاب تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد؛ مانند جرایم ارتكابی توسط روحانیون که در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی می شود. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۲۲۴)

نکته ی سوال آزمون قضاوت:

همین که مرتکب جرم، از افراد مقرر در ماده ۳۰۷ باشد، دادگاه های کیفری تهران صالح به رسیدگی است و در این خصوص محل ارتکاب جرم (کرج) فاقد اهمیت است.

۸۶. در صورت اختلاف بازپرس و دادستان در نوع قتل، حل اختلاف با کدام مرجع است؟

- الف- دادگاه تجدیدنظر استان
ب- دادگاه کیفری دو ✓
ج- دیوان عالی کشور
د- دادگاه کیفری یک

ماده ۲۷۲- با توجه به این موضوع مهم که در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در ۱- صلاحیت دادگاه، ۲- نوع جرم یا همان «عنوان مجرمانه»^۲ یا ۳- مصادیق قانونی آن، هنوز مرجع صالح به رسیدگی به اختلاف دادستان و بازپرس مشخص نیست تا طبق ماده ۲۷۱ عمل شود، لذا در صورت اختلاف بین دادستان و بازپرس در خصوص موارد فوق الذکر، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می کند و در این موارد امکان استناد به مفاد ماده ۲۷۱ جهت حل اختلاف وجود ندارد. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۹۲)

۸۷. احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان به منظور حفظ نظم و

امنیت، منوط به اجازه کدام مرجع است؟

- الف- دیوان عالی کشور ✓
ب- دادستان کل کشور
ج- دادگاه تجدیدنظر همان استان
د- رئیس قوه قضاییه

۲. صلاحیت دادگاه با عنوان مجرمانه تعیین می شود و وقتی بین دو مقام دادستان و بازپرس در این خصوص اختلاف هست، لذا هنوز مرجع صالح نیز مشخص نشده که طبق ماده ۲۷۱ عمل شود. لذا در این صورت باید به ماده ۲۷۲ متوسل **پایگاه خبری**

ماده ۴۲۰- علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز یکی از شعب دیوان عالی کشور، رسیدگی با رعایت صلاحیت ذاتی مرجع قضائی، به حوزه قضائی دیگر احاله می‌شود.

تبصره- در جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را بدون نیاز به موافقت مقامی دیگر، به حوزه قضائی دیگر احاله کند. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۲۷۴)

۸۸. شاکی تا چه زمانی می‌تواند دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نماید؟

- الف- پایان جلسه اول دادرسی
ب- پیش از تشکیل جلسه اول دادرسی
ج- قبل از اعلام ختم دادرسی ✓
د- پیش از صدور حکم

ماده ۱۵- پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی که متفاوت از اولین جلسه دادرسی و پایان اولین جلسه دادرسی است، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. البته در صورتی که دعوای کیفری بدون صدور کیفرخواست و به صورت شفاهی طرح گردد (ماده ۸۶)، در این صورت شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است که اصولاً تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی از ضروریات آن می‌باشد ولی در برخی جرایم مانند سرقت، کلاهبرداری و تخریب نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مجزا نبوده و مرجع قضائی مکلف است ضمن صدور حکم در مورد اصل دعوای کیفری، نسبت به جبران خسارت نیز حکم دهد. در جرم خیانت در امانت و صدور چک بلامحل تقدیم دادخواست و نیز پرداخت هزینه دادرسی لازم‌الرعایه است. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۳۸)

۸۹. ضابطان دادگستری در کدام صورت، اختیار اخذ تأمین از متهم را دارند؟

- الف- اخذ تأمین ضرورت داشته باشد
ب- اطمینان به صحت تأمین ارائه شده داشته باشد
ج- مقام قضائی اذن داده باشد.
د- اساساً اختیار اخذ تأمین ندارند ✓

ماده ۴۱- اخذ تأمین از متهم یا مظنون، صرفاً در حیطه وظایف و اختیارات مقام قضائی است. حتی ضابطان دادگستری هم اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضائی دادرسی یا دادگاه نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضائی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود. در صورت تخلف از مقررات این ماده طبق مقررات ماده ۶۳ عمل می‌شود. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۶۲)

۹۰. شخصی به اتهام سرقت تعزیری و نگهداری مواد مخدر تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در صورت وجود شرایط قانونی، چند قرار تأمین در خصوص وی صادر خواهد شد؟

الف- یک قرار تأمین که هر دو جرم در آن منظور شده باشد

ب- دو قرار تأمین غیر از بازداشت موقت یا قرار بازداشت موقت

✓ ج- دو قرار تأمین

د- یک قرار تأمین به همراه یک قرار نظارت قضایی

ماده ۲۱۸- برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف از آن حوزه قضائی باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

نکته‌ی سوال آزمون قضاوت:

با توجه به اینکه رسیدگی به اتهام سرقت در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری دو و رسیدگی به اتهام مواد مخدر در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب است، بنابراین برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

۹۱. در صورت فوت کفیل، وضعیت قرار قبولی کفالت چگونه می‌شود؟

الف- تعهدات کفیل، به قائم مقام قانونی منتقل می‌شود

✓ ب- منتفی است

ج- با صلاحدید مقام قضایی و رضایت متهم، تعهدات کفیل به قائم مقام قانونی منتقل می‌شود

د- با قبول ترکه، تعهدات کفیل به ورثه منتقل می‌شود

ماده ۲۳۴- در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه نیز منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آنکه پس از گذشت مهلت یک ماهه از ابلاغ واقعی اخطاریه و تخلف از تعهد، دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه از طرف دادستان صادر شده باشد که در این صورت مفاد ماده ۲۳۰ قانون حاضر اجرا می‌شود. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۶۸)

۹۲. مجازات مقرر در حکم نخستین، برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی است که قانون مقرر داشته است، وظیفه دادگاه تجدیدنظر است؟

✓ الف- در صورتی که این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی یا دادستان قرار گرفته باشد، مجازات را تشدید می‌نماید

ب- فارغ از اینکه تجدیدنظرخواه چه کسی باشد، ملزم به تعیین مجازاتی است که قانون مقرر نموده است

ج- در صورت تجدیدنظرخواهی شاکی و تأیید رئیس کل دادگستری استان، ملزم به تعیین حداقل مجازاتی است که قانون مقرر نموده است

د- در صورت تجدیدنظرخواهی دادستان و عدم تجدیدنظرخواهی متهم، نسبت به تعیین حداقل مجازات قانونی اقدام می‌کند

ماده ۴۵۸- اصل بر این است که دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند، مگر استثنائاً در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی نظیر تخفیف مجازات مندرج در ماده ۳۷ ق.م.ا، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و همچنین این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان بدون اینکه حکم را نقض و آن را به مرجع صادرکننده نخستین رأی بفرستد، با تصحیح حکم، رأساً نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند. لذا نکته مهم اینکه حکم استثنای مقرر در قسمت دوم این ماده را نمی‌توان در مواردی که دادگاه نخستین به تبعیت از ماده ۳۷ ق.م.ا به مجازات کمتر از حداقل مقرر قانونی حکم داده تسری داد. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۲۹۵)

۹۳. آقای «الف» مرتکب جرم رابطه نامشروع مادون زنا شده است که شاکی ندارد و بدواً قصد اقرار نزد مقام قضایی دارد. وظیفه قاضی در این مورد چیست؟

✓ الف- توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار

ب- تشویق به اقرار با ذکر عواقب اقرار

ج- توصیه به اقرار صحیح و کامل و ذکر اینکه اقرار باعث تخفیف مجازات می‌شود

د- توصیه به عدم اقرار، مگر در حضور وکیل متهم

ماده ۱۰۲- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت که منظور از آن جرائم جنسی حدی و همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد، ممنوع است و پرسش از هیچ فردی اعم از متهم و افراد غیرمرتبط در موضوع در این خصوص مجاز نیست، پس اصولاً هم تعقیب و هم تحقیق در خصوص این جرایم ممنوع است، مگر استثنائاً در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی بوده یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت هم، تعقیب و تحقیق آزاد نبوده و فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود، نه بیشتر توسط مقام قضائی انجام

می‌شود. به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. دادگاه صالح براساس مجازات جرم ارتكابی قابل تشخیص است. تخلف از این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند. تخلف از این تبصره موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد. (ر.ک: ماده ۲۰۰ ق.م.ا)

(قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۰۸)

۹۴. در جرم صدور چک بلامحل، چنانچه متهم لاشه چک مورد شکایت را به بازپرس تسلیم نماید، بازپرس چه قراری صادر می‌کند؟

الف- ترک تعقیب

ب- جلب دادرسی

✓ د- موقوفی تعقیب

ج- منع تعقیب

ماده ۱۷ قانون صدور چک مقرر داشته «وجود چک در دست صادر کننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت مگر این که خلاف این امر ثابت گردد.» از طرفی دیگر ماده ۱۲ قانون یاد شده عنوان می‌دارد:

ماده ۱۲- هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارات تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند، یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

۹۵. صدور کدام یک از قرارهای زیر، باعث لغو قرار تأمین نمی‌شود؟

✓ ب- جلب به دادرسی

الف- موقوفی تعقیب جز در مورد فوت متهم

د- منع تعقیب

ج- تعلیق تعقیب

ماده ۲۵۱- هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شود، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اعلام و همچنین اثبات کند، با شروع به اجرای ۱- حبس و ۲- تبعید یا ۳- اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها یعنی مجازات‌هایی غیر از سه مورد اخیرالذکر و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق

تعقیب،^۳ تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت نظیر ترک تعقیب،^۴ قرار تأمین و نظارت قضائی لغو می‌شود.

تبصره- در صورت الغاء قرار تأمین یا نظارت قضائی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط اعلام می‌شود. (قانون دستنویس آیین دادرسی کیفری/۱۸۳)

برای پایان اعتبار قرار تأمین باید برحسب سرنوشت پرونده قائل به تفکیک شد: در صورت مجازات، در سه مجازات با شروع به اجراء و در سایر مجازات‌ها با اجرای کامل آنها قرار لغو می‌گردد. در صورت عدم مجازات، با صدور قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و تعلیق تعقیب و نیز تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار لغو می‌شود. (خالقی/نکته‌ها/ذیل ماده ۲۵۱)

موفق باشید - بخشی‌زاده اهری

تقدیم به شهدای مدافع حرم

سپاس از سایت وزین اخت‌بار

تشریح سوالات حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی در آزمون قضاوت ۹۵ بزودی در پایگاه خبری اخت‌بار منتشر خواهد شد

لینک کانال تخصصی حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری امین بخشی‌زاده اهری:

https://telegram.me/joinchat/DbFMNkE_ZgRDUBkTTjRKMg

برای پیگیری اخبار آزمون قضاوت در پایگاه خبری اخت‌بار اینجا کلیک کنید

← برای عضویت در کانال تلگرام اخت‌بار اینجا کلیک کنید →

← برای عضویت در خبررسان تلگرام اخت‌بار اینجا کلیک کنید →

← برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اخت‌بار اینجا کلیک کنید →

← برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اخت‌بار عضو شوید →

۳. ماده ۸۱ - «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.» لذا ماده ۲۵۱ در خصوص قرار تعلیق تعقیب، در این قسمت از ماده ۸۱ تعارض دارد.

۴. با صدور قرار ترک تعقیب، پرونده از فرایند دادرسی کیفری خارج و جز با درخواست مجدد شاکی ظرف یک سال، به جریان نمی‌افتد.